



یادداشت

حکومت و سرمایه داران کارگران را به سوی انقلاب می رانند!

صادق کار



با رفتاری که با کارگران می کنند آنان را بسوی انقلاب می رانند. از مضرات و بی فایده بودن و انحراف انقلاب ها در این ایام بسیار گفته شده و می گویند. مردم را به اندازه طاعون از انقلاب می ترسانند، با این وصف اما زمانی که همه راه های اصلاحی برای ایجاد عدالت و آزادی و رفاه و برابری با زندان و گلوله از طرف حکومتها و صاحبان سرمایه پاسخ داده می شود و چاره ای به غیر از انقلاب باقی نمی ماند، انقلاب راه خودش را پیدا می کند و از میان همه این موانع و تبلیغات کاذب که علیه آن می شود می گذرد و بوقوع می پیوندد

در این هفته نیروهای ویژه تربیت شده برای سرکوب اعتراضات کارگری و مردمی بار دیگر به طرز وحشیانه ای به تجمع معدن چیان زحمتکش معدن مسن سونگون ورزقان یورش آوردند و کارگران را که خواسته ای بیش از افزایش دستمزد و رفع تبعیضات مزدی با کارگران رسمی و تضمین امنیت شغلی نداشتند مورد ضرب و شتم قرار دادند. اعتصاب معدن چیان معدن سونگون سر انجام بعد از تهدید و سرکوب و بازداشت نمایندگان کارگران و دادن وعده رسیدگی به خواسته های کارگران بعد از ۵ روز پایان یافت.

بلافاصله بعد از پایان اعتصاب به صورتی که شرح داده شد، فضای امنیتی در معدن ایجاد و در حالی که کارگران در انتظار اجرای وعده مسئولین بودند، نیروهای امنیتی به معدن برگشتند و بر خلاف توافقاتی که در پایان اعتصاب با کارگران کرده بودند ۲۰ تن از کارگران را بازداشت و با خود بردند تا با شیوه هایی شناخته شده و نشده حساب شان را کف دستشان بگذارند. هنوز معلوم نیست ماموران گمنام اما "مستضعفان" با این ۲۰ "مستکبر" چه می خواهند بکنند! اما مسلم است که از گناه شان نخواهند گذشت. حداقل مجازات در موارد مشابه پیشین اخراج و بریدن نان خاطیان و ثبت نام آنان در لیست سیاه بوده است. مجازاتی به



مراتب هولناکتر از زندان. با اخراج و گرفتن فرصت کار نه تنها کارگر بلکه خانواده او را نیز مجازات می کنند. مگر نه این است که (اسلام) برای همه گناهان راه حل دارد؟

نه در هنگام اعتصاب و نه بعد از آن با اینکه کارفرما حاضر به رعایت قانون کار نشده بود و مقصر بود ماموری برای رسیدگی به خواسته های کارگران از طرف وزارت کار هم نیامد در عوض مسئولین دولتی گارد ویژه سرکوب را به مصاف کارگران فرستادند تا دهان حق طلب شان را ببندند و فریاد حق خواهی شان را در گلو خفه کنند تا به گوش کسی نرسد.

سال گذشته که کارگران اعتصاب کردند و گفتند از این خان یغما که نصیبتان شده سهمی به اندازه اینکه لااقل شکم ما و زن و بچه هایمان را سیر کند به ما بدهید، نیز درست همین رفتار را کردند. فکر کردند با آنهم رفتار وحشیانه دیگر کارگر کی جرات می کند اعتصاب کند. اما اشتباه کرده بودند امسال هم اعتصاب شد. اما تا کی این به چرخ تا بچرخیم می تواند ادامه پیدا کند، روشن است که همیشگی نخواهد بود. کارگران حتما راه های دیگری پیدا خواهند کرد. راه هایی که هر چه باشد بیشتر از آنکه برای کارگر هزینه در بر داشته باشد برای سرمایه دار و حکومت حامی اش هزینه خواهد داشت. هیچکدام از این دو اعتصاب هم با وجود اینکه ابر و مه و خورشید و فلک در خدمت مالک غاصب معدن بوده اند تا سود او را پاسداری کنند، برای کارگر بی نتیجه نبوده اند. بزرگترین نتیجه همین است که کارگر فهمیده علرغم درهم شکستن اعتصاب اش، بازهم باید دوباره اعتصاب کند و از تکرار مکرر این اعتصابات است که به فکر خلع ید از سرمایه دار ستمگر و بی رحم خواهد رسید. که اگر به شناختی غیر از این رسیده بود دوباره که اعتصاب نمی کرد.

بی دلیل نیست که گفته اند اعتصاب مدرسه انقلاب است. یعنی اینکه در جریان مبارزه است که کارگری که در بدو امر نه معنی انقلاب را می داند و نه به آن فکر میکند بتدریج به یک انقلابی دو آتشه فہیم تبدیل می شود. حکومت و کارفرمایان وابسته به آن با رفتاری که با کارگران می کنند آنان را بسوی انقلاب می رانند. از مضرات و بی فایده بودن و انحراف انقلاب ها در این ایام بسیار گفته شده و می گویند. مردم را به اندازه طاعون از انقلاب می ترسانند، با این وصف اما زمانی که همه راه های اصلاحی برای ایجاد عدالت و آزادی و رفاه و برابری با زندان و گلوله از طرف حکومتها و صاحبان سرمایه پاسخ داده می شود و چاره ای به غیر از انقلاب باقی نمی ماند، انقلاب راه خودش را پیدا می کند و از میان همه این موانع و تبلیغات کاذب که علیه آن می شود می گذرد و بوقوع می پیوندد. کارگر که با زبان خوش و اعتراض مسالمت آمیز صنفی نتواند از حقوق و معیشت اش دفاع کند مگر چه چاره ای جز انقلاب برایش باقی می ماند. انقلاب غافلگیرانه بهمن از آن روی رخ داد که شاه نخواست تا آخرین لحظات عمر رژیم اش صدای مردم را بشنود، که اگر زودتر شنیده بود و می توانست خود را تغییر دهد، انقلابی رخ نمی داد. رژیم ولایی نیز به نظر نمی رسد که آخر و عاقبت بهتری از رژیم شاه در انتظارش نباشد. در آن هنگام که انقلاب از راه برسد دیگر نه با سرکوبهای شبه فاشیستی می شود جلوی وقوع آن را گرفت و نه با کمک بسیج و سپاه. درست همانطور که رژیم شاه با داشتن بزرگترین و مجهزترین ارتش منطقه و حمایت جهانی نتوانست سد راه انقلاب ۵۷ شود.

از مبارزه کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکاهاى مستقل حمایت کنیم!

موانع تشکیل و فعالیت سندیکاها و تشکلهای کارگری باید از میان برداشته شوند!

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه کنیم!

نه به حذف سوبسید ها و افزایش قیمت نان و کالاهای اساسی

آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش اول
"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهایی

هیو استورجس



مادرید، ژوئن ۲۰۲۱: صف جویندگان کار در بیرون از یک اداره کار دولتی

مقدمه

بیکاری یکی از جنبه های مزمن اقتصادهای سرمایه داری است، همراه با بیماریهای مرتبطی چون فقر، ناامنی فردی و اقتصادی، و مهرونشانه های معین اجتماعی. بیکاری در بخش اعظم کشورهای پیشرفته هرگز به سطوح پائین پیش از میانه دهه هفتاد قرن گذشته بازنگشته است؛ در حالی که کار ناامن و بی ثبات مداوماً جای کار دائم و تمام وقت را گرفته است. به علاوه نرخ های رسمی پائین بیکاری، همچون "نوک کوه یخ در یک اقتصاد سرد"، جمعیت بزرگی را که از کار مزدی محروم مانده است، پنهان می گذارند. بیش از دویلمیون نفر از مردم استرالیا یا رسماً بیکاراند و به طور حاشیه ای با بازار کار مرتبط اند اما خواهان کار اند، یا اشتغال ناقص دارند. سیاستی که در این نوشته "تضمین اشتغال" نامیده می شود – و همچنین با عناوینی چون "کارفرمای ملجأ نهایی" و "ذخیره حایل از نیروی کار شاغل" نیز شناخته می شود – برنامه ای است برای برخورد مستقیم به بیکاری و اشتغال ناقص، از طریق تأمین یک شغل با حداقل دستمزد، برای هر کس که مایل و قادر به کار است. این نوشته در صدد بررسی تفصیلی و مطلوبیت برنامه های تضمین اشتغال به عنوان راه حلی برای مشکل بیکاری و اشتغال ناشایسته و ناامن است.

برنامه های بسیاری برای استخدام عمومی وجود دارند یا پیشنهاد شده اند، اما به تصریح پاولینا چرنوا دوتن از شناخته شده ترین مدافعان "تضمین" – (Randall Wray) و راندال ورای (Pavlina Tcherneva) اشتغال" – این برنامه به پاره ای جهات از دیگر برنامه ها متمایز است*، از جمله این که

1. "تضمین اشتغال" ظرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می آورد؛ یک امکان همگانی، برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی



2. "دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران تحتانی در بازار کار را استخدام می کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت برنمی خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی دهد.
3. "تضمین اشتغال" نوعی اشتغال کامل "سست" است، به این معنا که کارگران آزادند، زمانی که " چشم انداز شغلی بهتری وجود دارد، "به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی شود
4. "کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می دهند، اما نه کارهای مرسوم را که مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیت‌ها را پیشنهاد می کنند که می تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیت‌های جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد

اصطلاح "کارفرمای ملجأ نهائی" ناظر به نقشی است که بانک مرکزی به عنوان وام دهنده نهائی به عهده می گیرد و بر اساس اصول مشابهی [که در بالا در باره برنامه "تضمین اشتغال" برشمرده شدند] عمل می کند.

بنا به تصریح طرفداران "تضمین اشتغال"، دولت از طریق این برنامه به عنوان یک "بازارساز" در ارتباط با نیروی کار عمل می کند، به این معنا که قیمتی را برای نیروی کار تعیین می کند و به آن قیمت هر مقدار نیروی کار را برای هر دوره زمانی می خرد. نتیجه این است که ذخیره ای از کارگران بیکار با "یک ذخیره حایل از نیروی کار شاغل" جایگزین می شود، که در تقابل با چرخه اقتصادی برای سلامت کل بازار کار عمل می کند. برنامه "تضمین اشتغال" قیمت "ذخیره حائل" را تثبیت می کند، با خارج کردن کارگران زیر پوشش برنامه در دوره رونق رشد دستمزدها را مهار می کند و با استخدام مجدد آنان در دوره رکود از کاهش دستمزد جلوگیری می کند. "تضمین اشتغال" یک ارتش ذخیره نیروی کار ایجاد می کند، اما ارتشی که فعالانه در امور تولیدی مشارکت دارد

(Hugh Sturgess) هیو استورجس

در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در داخل * گیومه) در معنای خاص آن، که در اینجا تعریف می شود

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

دولت موظف است به بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

شکایت به دیوان عدالت اداری فرستادن کارگران دنبال نخود سیاه ست

صادق کار



اگر ما در کشوری زندگی می کردیم که در آن فعالیت اتحادیه ای مستقل با موانع متعدد روبه رو نبود اتحادیه می توانستند در چنین مواقعی دولت را سر جایش بنشانند، اما وقتی تشکلهای کارگری حکومتی جای اتحادیه های کارگری را اشغال می کنند، کارگران را پی نخود سیاه می فرستند، تا هم مانع اعتراض آنان شوند و هم قضیه شامل مرور زمان بشود و از پیگیری آن منصرف و نا امید شوند

مدتهاست که هر حق قانونی از کارگر سلب و ناحق می شود را شوراهای اسلامی زیر مجموعه خانه کارگر با سر و صدا و تبلیغات زیاد برای دآوری به دیوان به اصطلاح عدالت اداری می فرستند تا حق سلب شده از کارگر را به او برگردانند. با اینکه این دیوان در واقع نهادی است که به اندازه شورای نگهبان محافظه کار و جانبدار صاحبان سرمایه است و به در خواست کارفرمایان بارها به نفع کارفرمایان و دولت رای داده است و حکم صادر نموده، بازهم برای احقاق حق کارگر به این امامزاده که کور کرده ولی کسی را شفا نداده مراجعه می کنند. همین شورا تا کنون با احکامی که صادر کرده ضربات سنگینی به حقوق کارگران وارد نموده است. بدترین حکم این دیوان محافظه کار قانونی دانستن قرارداد های موقت کار و تمدید مکرر آن بدون ایجاد الزامی برای استخدام کارگر توسط کارفرما ست که موجب از بین بردن امنیت شغلی کارگر و از



بین رفتن قراردادهای پایدار و مستمر و قراردادی شدن بیش از ۹۵ درصد از کارگران شده است. از لحاظ حقوقی تقریباً هیچ مرجع بالادستی که بتواند احکام دیوان عدالت اداری را لغو کند وجود ندارد.

چندی پیش دولت در یک اقدام غیر قانونی دیگر، مقدار کمک هزینه مسکن کارگران را در اوج سر به فلک کشیدن اجاره مسکن ۱۰۰ هزار تومان کاهش داد. تشکلهای حکومتی که به حکم وظیفه‌ای که از طرف حکومت به آنها محول شده بایستی جلوی اعتصاب و اعتراض کارگری را حتی المقدور بگیرند و هم برای اینک بگویند گویا دارند از حقوق کارگر دفاع می کنند، از دولت بخاطر کاهش حق مسکن نزد دیوان عدالت اداری شکایت بردند و در حالی که مبلغ کسر شده دیگر به کارگران داده نمی شود منتظر صدور حکم دیوان هستند. به فرض اینکه دیوان نام برده در این خصوص رای به غیر قانونی بودن عمل دولت هم بدهد، معلوم نیست که دولت به رای صادره تمکین کند یا نه. چرا که دولت در مواردی حتی از اجرای مصوبه مجلس امتناع نموده است. نمونه اش غیر قانونی خواندن افزایش ۱۰ درصدی حقوق بازنشستگان توسط مجلس و پرداخت ۲۸ درصد اضافه حقوق به جای ۱۰ درصد است که دولت حاضر به اجرای آن نشده است.

هیچ اشکالی ندارد که کارگر از راه های مختلف در صدد احقاق حقوق مورد تعرض قرار گرفته خود برآید. اما اشکال زمانی پیدا می شود که کارگر همه تجربه های منفی مراجعه به یک نهاد حکومتی را فراموش کند و بار دیگر با مراجعه به آن از همان سوراخ گزیده شود. راه کار بهتر و کارآمدتر اعتراض و اعتصاب جمعی میلیونها کارگر است که دولت بطور غیر قانونی در بحبوحه تورم و گرانی کمر شکن اجاره خانه و هزینه های معیشتی بجای افزایش کمک هزینه مسکن آن را کاهش داده است. می گویم اعتراض جمعی هم امکان دارد و هم موثرتر از مراجعه به دیوان عدالت اداری است، چرا که تشکلهای حکومتی می خواستند اعتراض کارگران بخش های دولتی را که دولت قصد داشت ۲۸ درصد کمتر از دستمزد قانونی به آنها بدهد به کانال دیوان عدالت اداری بیندازند، که کارگران زیر بار نرفتند و با برپایی چند تجمع بزرگ اعتراضی دولت را وادار به عقب نشینی کردند. محال بود کارگران بتوانند با فرستاده شدن شان پی نخود سیاه دیوان عدالت موفق شوند خواسته شان را بگیرند. در مورد کاهش حق مسکن نیز راهی مناسبتر از اعتراض نیست. اگر ما در کشوری زندگی می کردیم که در آن فعالیت اتحادیه‌ای مستقل با موانع متعدد روبه رو نبود اتحادیه می توانستند در چنین مواقعی دولت را سر جایش بنشانند، اما وقتی تشکلهای کارگری حکومتی جای اتحادیه های کارگری را اشغال می کنند، کارگران را پی نخود سیاه می فرستند، تا هم مانع اعتراض آنان شوند و هم قضیه شامل مرور زمان بشود و از پیگیری آن منصرف و نا امید شوند.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

دولت موظف است به بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



گشتهای شبه فاشیستی در خیابانها به بهانه مبارزه با بد حجابی و گرانفروشی برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم نیز در همین راستا قرار دارد. با این همه تداوم و گسترش اعتراضات در خیابان و زندان بی نیجه بودن و شکست این اعمال جنایتکارانه را اثبات می کند.

تجمع اعتراضی کارگران پیمانی پتروشیمی تبریز

به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز سه شنبه بیست و یکم تیرماه گروهی از کارگران پتروشیمی تبریز در اعتراض به فاصله زیاد بین حقوق رسمی ها و شرکتی ها و مطالبه اجرای همسان سازی حقوق ها و رفع تبعیض مقابل ورودی این شرکت تجمع کردند

علاوه بر افزایش حقوق خواست دیگر کارگران حذف شرکتهای پیمانکاری واسطه ای است.

گزارش تلگرام سندیکا واحد از یورش نیروهای سرکوبگر و بازداشت ۲۰ کارگر حق طلب معدن مس .
سونگون و رزقان:

بیست تن از کارگران معترض اعتصابی معدن مس سونگون و رزقان توسط عوامل امنیتی بازداشت شده اند و در خطر اخراج از کار هستند

کارگران معدن مس سونگون که در تاریخ سیزدهم تیرماه به دلیل مطالبات معوقه و پائین بودن دستمزد دست از کار کشیدند در سومین روز اعتصاب کارگران، یگان ویژه ضدشورش با حمله و ضرب و شتم کارگران قصد پایان دادن به اعتصاب را داشتند و چند نفر هم بازداشت شده بودند . بعد از مذاکراتی که با کارگران برای تحقق خواست های کارگران صورت گرفت ، کارگران به اعتصاب پایان دادند اما بعد از پایان اعتصاب



بیست تن از کارگران معترض این معدن توسط عوامل امنیتی بازداشت شده اند و در خطر اخراج از کار قرار دارند.

سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن اینکه حق اعتراض واعتصاب را برای کارگران از حقوق مسلم شان میدانند. ضمن حمایت از تمامی مطالبات بحق کارگران معدن مس سونگون، برخورد های امنیتی و پلیسی با کارگران را بشدت محکوم میکند و خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران بازداشتی معدن مس سونگون و رزقان میباشد.

گسترش اعتراضات و مبارزات بازنشستگان تامین اجتماعی

اعتراضات خیابانی بازنشستگان طی یک ماه گذشته گسترش بی سابقه ای پیدا کرده است و روزی نیست که بازنشستگان در چند شهر بطور همزمان برای اعتراض به امتناع دولت از افزایش حقوق، همسان سازی و بیمه درمانی رایگان و کارآمد در شهرهای مختلف راهی خیابان نشوند و علیه دولت شعار ندهند و بر ادامه اعتراضات و مبارزه خود تا رسیدن به خواسته هایشان تاکید نکنند. در این هفته علاوه بر تداوم اعتراضات در تعدادی از شهرها بازنشستگان مخابرات نیز در در شهرهای کرمانشاه، یزد، کرمان، چهارمحال بختیاری در اعتراض به "به عملیاتی نشدن آیین نامه ۸۹، مشکلات مربوط به هزینه درمان و تاخیر در پرداخت جیره ی غیر نقدی راهی خیابان شدند.

ادامه اعتراضات انترن ها و نیروهای کادر درمانی

اعتصاب و تجمع های پرستاران و انترن ها که از هفته گذشته از مشهد در اعتراض به اخراج شمار زیادی از پرستاران که در هنگام بالا گرفتن بیماری کرونا به کار گرفته شده بودند شروع شد، در برخی از شهرهای دیگر نیز به علل مختلفی مانند ندادن کارانه و حق سختی کار و غیره همچنان ادامه دارند. تجمع های انترن ها که از ۲۰ تیر با اعتصاب و تجمع انترن ها در بیمارستان بهشتی در کاشان در اعتراض به ناچیز بودن و پرداخت نکردن به موقع حقوق، حق کوی و غیره شروع شد به علت پاسخ داده نشدن به خواسته های آنان بیش از یک هفته است که در جریان است.

پیمانکار از پرداخت دستمزد و عیدی کارگران طفره می رود

کارگران شهرداری یاسوج برای چندمین بار در این هفته نیز نسبت به پرداخت نشدن دستمزد های خود از اول فروردین تا کنون اعتراض کردند. به گفته کارگران پیمانکار علاوه بر دستمزد ۳ ماه گذشته سه سال عیدی هم به کارگران بدهکار است که از پرداخت آن طفره می رود. کارگران نه تشکلی دارند که پیگیر حقوق و مطالبات شان باشد و نه اداره کار در مقابل قانون شکنی کارفرمای پیمانکار از آنان حمایت می کند. نمایندگان شورای شهر نیز چشم بر قانون شکنی پیمانکار ستمکار بسته اند و نه کاری برای کارگران می کنند و نه حاضرند قرارداد شهرداری با پیمانکار را لغو کنند.

البته وضعیت کارگران شهرداری ها در اغلب شهرهای کشور نیز کم و بیش مشابه شهرداری یاسوج است.

اعتراض کارگران کارخانه کاغذ سازی کریمان در بم

کارگران کارخانه کاغذ سازی کریمان در بم در اعتراض به بلاتکلیفی شغل خود اعتراض کردند. این اعتراض در ۱۶ تیر به هنگام بازدید استاندار کرمان از کارخانه صنایع خودروسازی در این شهر رخ داد. علت بیکاری ۲۵۸ کارگر



کارخانه بهم خوردن قرارداد کارخانه کاغذ سازی با کارخان صنایع خودرو سازی است.

تداوم بازداشت ها و سرکوب فعالین کارگری و مدنی و فشار به زندانیان و خانواده های آنان

به رغم اعتراضات گسترده داخلی و جهانی به بازداشت و سرکوب فعالان سندیکایی، مدنی و سیاسی، تعرض لجام گسیخته نیروهای سرکوبگر حکومت که می خواهند به هر قیمت از رشد اعتراضات گسترده و فزاینده مردم جلوگیری کنند، تشدید شده است. به خانواده های کارگران و معلمان زندانی و خانواده رضا شهابی، حسن سعیدی، محمد علی زحمتکش که در اثر اعتصاب غذا از لحاظ سلامتی در حالت بحرانی قرار دارند نه اجازه ملاقات می دهند و نه تماس تلفنی. رفتار زندانبان جنایتکار با سایر زندانیان نیز تفاوتی با افراد نامبرده ندارد. در واقع یک وضعیت سرکوب شبه فاشیستی بر زندانها و جامعه توسط حکومت ایجاد شده است بطوریکه نیروهای سرکوبگر هر کس را که میل شان می کشد دستگیر و زندانی می کنند. بازداشت تعدادی از مادران دادخواه همراه با بازداشت سه تن از کارگردانان نامدار و آزادیخواه کشور و تاجزاده، در این هفته نشان می دهند که دور تازه ای از سرکوب های شبه فاشیستی کلید خورده است که هدف از آن پایان دادن به اعتراضات فزاینده، سرپوش نهادن بر درمانگی حکومت از اداره کشور و حل بحرانه ها، خاصه گرانی و تورم و بیکاری فزاینده و دادن آدرس عوضی به مردم در مورد عامل اصلی وضعیت کنونی است. وضعیتی که مردم را به اعتراض وادار می دارد. راه افتادن گشت های شبه فاشیستی در خیابانها به بهانه مبارزه با بد حجابی و گرانفروشی برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم نیز در همین راستا قرار دارد. با این همه تداوم و گسترش اعتراضات در خیابان و زندان بی نیجه بودن و شکست این اعمال جنایتکارانه را اثبات می کند.

تجمع سراسری بازنشستگان در ۲۵ تیر برگزار می شود

فراخوان تجمع بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی، کشوری و فرهنگی در تهران و شهرستانها

زمان: شنبه، ۲۵ تیر ۱۴۰۱، ساعت ۱۰ صبح

مکان: تهران: در برابر سازمان تأمین اجتماعی و وزارت کار (خیابان آزادی)

شهرستانها: در برابر ادارات تأمین اجتماعی اتحاد بازنشستگان

عسل محمدی فعال کارگری

ای شادی ای شادی آزادی

روزی که تو بازایی

با این دل غم پرورد

من با تو چه خواهم کرد

امروز برای اجرای حکم یکسال حبس به زندان اوین رفتم



این واقعیت که ایران آبستن قیام‌های قریب الوقوع در اعتراض به افزایش و گسترش فقری بی سابقه و شدت فشارهای اجتماعی بر مردم خواهد بود، چنان عینی و غیر قابل انکار است که مقام‌های حکومتی را ناچار به اذعان و انذار آنچه پیش روی نظام است نموده و نهادهای امنیتی را به دستپاچگی برای پرونده سازی‌های پوچ و مذبوحانه برای فعالان سیاسی به امید ارباب و ساکت کردن هر معترضی.

آنچه جمهوری اسلامی هرگز نفهمید شدنی نیست. نه اجرای فله‌ای احکام چند معترض و نه انفرادی‌های رفقا و عزیزانمان در بندهای امنیتی و نه صدها ساعت شکنجه روانی برای اعتراف‌گیری، هیچ کدام نمیتواند جمهوری اسلامی را از سرنوشت محتومش، سرنگونی؛ رهایی بخشد.

ایمان "ما" به تحقق رهایی، آزادی و برابری هزاران بار پر زورتر از گلوله‌های سربی جلاد است.

امروز رفتم تا برای مدتی کنار خواهران آزاده‌ام، در بند رویای آزادی سرزمینم را ببافم تا به تار و پودش رنگ عمل بپاشم.

آنجایی میروم که هوایش پر از بوی نسرين است و نیلوفر

:شبهایش ناهید در آسمانمان دلبری میکند دل‌هایمان شوق بهار دارد و هر سپیده میخوانم



منبع: تلگرام هفت تپه

از مبارزه کارگران، معلمان و سایر مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

دست مزد و حقوق کارگران و بازنشستگان باید به موقع و بدون تاخیر پرداخت شود!

قراردادهای موقت و پیمانی در کارهای مستمر باید لغو و امنیت شغلی کارگران با ید با انعقاد قراردادهای مستقیم تضمین شود!



جان شهابی و سعیدی در خطر است



۳۴ روز و ۲۵ روز از اعتصاب غذای
رضاشهابی و حسن سعیدی دو فعال
سندیکایی در بند گذشت







سبک بال

از دیوار بلند زندان‌ها و

سیم‌خاردارها

می‌گریزد

!هوای خوش آزادی

صدای #معلم‌ان_زندانی باشیم ▲

رسول بدایق، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، غلامرضا غلامی کندازی، مهدی فتحی

محمد علی زحمتکش هیوا قریشی، کاوه محمدزاده، امید شاه محمدی، پرویز احسنی



***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگرگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می‌توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>